

**Original Article**

**Calculation of Economic Damages Resulting from Bodily Injuries in Iranian Law and Compliance with the Laws of the United States, France and the United Kingdom**

**Zeynab Hasanvand<sup>1</sup>, Ebrahim Taghizaadeh<sup>2\*</sup>, Seyed Abolghasem Naghibi<sup>3</sup>**

1. Ph.D. Student, Department of Private Law, Payame Noor University, Central Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Private Law, Payame Noor University, Central Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Taghizaadeh@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari High School, Tehran, Iran.

Received: 4 Mar 2020    Accepted: 29 Jul 2020

**Abstract**

Damages caused to a person by bodily injury fall into two general categories: material and immaterial. Economic losses or material losses are the most important part of bodily harm, in this way, after the injury, in addition to the costs of treatment or care, the person may lose his financial resources permanently or for a certain period of time due to the impossibility of performing previous activities. It is important to know how much of these damages can be claimed and what the criteria for receiving these damages are, in particular, part of this damage is not accurately calculated and is ambiguous, because these damages are related to the future, not the present; This means that in the future, a person could have survived or lost his or her job for several years if this had not happened. So these calculations have been challenged. In this article, with a look at the principle of the ability to compensate for all damages, we believe that compensation for disability, apart from the meaning of pure economic damage, and based on comparative law, especially the three countries of France, England and the United States, we have examined how to calculate these damages.

**Keywords:** Material damage; Injury; medical expenses; Future costs

**Please cite this article as:** Hasanvand Z, Taghizaadeh E, Naghibi SA. Calculation of Economic Damages Resulting from Bodily Injuries in Iranian Law and Compliance with the Laws of the United States, France and the United Kingdom. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 211-231.*

## محاسبه خسارات اقتصادی ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران با تطبیق در حقوق آمریکا، فرانسه و انگلستان

زینب حسنونند<sup>۱</sup>، ابراهیم تقی‌زاده<sup>۲\*</sup>، سیدابوالقاسم نقیعی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور تهران مرکز، ایران.

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور تهران مرکز، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Taghizaadeh@gmail.com

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۸

### چکیده

خساراتی که در اثر آسیب بدنی به فرد می‌رسد در دو دسته کلی مادی و غیر مادی می‌گنجد. خسارات اقتصادی یا همان خسارات مادی مهم‌ترین بخش در خسارت بدنی هستند، به این نحو که شخص پس از آسیب علاوه بر هزینه‌های درمان یا مراقبت، ممکن است به واسطه عدم امکان انجام فعالیت‌های سابق، منابع مالی خویش را دائماً یا برای مدت معینی از دست بدهد. این مطلب که چه میزان از این خسارات قابل مطالبه است و معیار دریافت این خسارات چیست مهم است، به ویژه آنکه بخشی از این خسارت قابل محاسبه دقیق نیست و ابهام دارد، زیرا این خسارات به زمان آینده مربوط است، نه حال؛ بدین‌معنا که شخص در آینده چند سال می‌توانست در صورتی که این اتفاق نیفتاده بود، زنده بماند یا کارش را از دست بدهد. بنابراین این محاسبات با چالش رو به رو شده است. در این مقاله با نگاهی به اصل قابلیت جبران کلیه خسارات، قائل به جبران خسارت از کارافتادگی به غیر از معنای خسارت اقتصادی محض بودن آن هستیم و با تکیه بر حقوق تطبیقی به ویژه سه کشور فرانسه، انگلستان و ایالات متحده، نحوه محاسبه این خسارات را بررسی کرده‌ایم.

**واژگان کلیدی:** خسارت مادی؛ آسیب؛ هزینه‌های درمانی؛ هزینه‌های آینده

## مقدمه

خسارات ناشی از صدمات بدنی ( Damages in Personal Injury ) به دو قسمت تفکیک می‌شوند: ۱- خسارت مادی ( Pecuniary Loss )؛ ۲- خسارت غیر مادی ( Non-Pecuniary Loss ). صدمات جانی، تنها در خسارات غیر مادی مجنی‌علیه منحصر نیست، بلکه در پی صدمه جانی، معمولاً خسارت مادی و اقتصادی نیز بر مصدوم تحمیل می‌شود که از نظر ماهیت و قابلیت ارزیابی با خسارات غیر مادی کاملاً متفاوت است. این خسارات که هزینه‌های درمان، تلف منفعت کاری و از کارافتادگی، هزینه‌های استخدام دیگری برای مراقبت و پرستاری دائم یا موقت از زیان‌دیده را شامل می‌شود، طبیعی کاملاً مادی و پولی دارند و کسر دارایی محسوب می‌شوند، لذا قابل اندازه‌گیری و جایگزینی با پول هستند (۱). در این مقاله در خصوص این که خسارات اقتصادی چگونه محاسبه می‌شوند و این که کدام دسته از این خسارات قابل جبران‌اند و در چه بازه زمانی، بحث خواهیم کرد.

## مبحث نخست: اصل جبران کامل خسارت و قواعد کلی

## محاسبه خسارات اقتصادی ناشی از صدمه بدنی

خسارات اقتصادی که در اثر صدمه بدنی بر شخص زیان‌دیده و کسان او تحمیل می‌شود، خساراتی است که قاعدتاً به واسطه آنکه اگر حادثه برای شخص به وجود نمی‌آمد، این خسارات بر او تحمیل نمی‌شد، لذا برای اعاده وضع سابق، یا برای آنکه زیان‌دیده در حالتی قرار گیرد که گویی اتفاقی از حیث مادی برای او نیفتاده است، باید این خسارات جبران شود، لیکن مسأله مهم آن است که خسارات اقتصادی ابعاد مختلفی دارد، بعضی از جنبه‌های آن قطعی و برخی از جنبه‌های آن درهاله‌ای از ابهام است. مقوله بسیار مهمی که می‌تواند روشنگر بخش مبهم آن باشد، بحث اصل جبران کامل خسارات بدنی است، به این معنا که خسارت بارآمده آیا به طور کامل جبران می‌شود؟ و آیا این جبران شامل خسارات آینده هم می‌شود یا خیر؟ بحث دیگر قواعد جبران است، یعنی اگر ما بپذیریم که خسارات اقتصادی ناشی از صدمات بدنی را باید

جبران کنیم باید طی چه قواعدی این امر را اعمال کنیم. این مطالب را در دو گفتار بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

## ۱- گفتار نخست: اصل جبران کامل خسارت

در پی تحولاتی که حقوق مسؤولیت مدنی در دو سده اخیر شاهد آن بوده و زمینه ساز گسترش این نوع از حقوق شده است، در بعضی از نظام‌های حقوقی، همچون فرانسه، و در راستای تحقق هرچه بیشتر عدالت امر جبران خسارت از هر گونه محدودیت رها گردیده و سبب حمایت هر چه بیشتر از قربانیان اعمال زیان‌بار و جبران هر چه بیشتر خسارات وارده بر آنان شده است. این حمایت‌ها تا به آن حد بود که از نویسندگان، همچون ریپر در این باره می‌گوید: «امروز مسأله مسؤولیت چیزی جز جبران خسارت نیست ... و حقوق کنونی تمایل به آن دارد تا اندیشه جبران خسارت را جایگزین اندیشه مسؤولیت کند» (۲).

از این رو در بعضی از نظام‌های حقوقی، لزوم جبران کلیه خسارات و جبران کامل خسارت وارده بر زیان‌دیده، به عنوان دو اصل بنیادین حقوقی پذیرفته شده است. به موجب اصل لزوم جبران کلیه خسارت هر کس زیان ناروایی، صرف نظر از نوع آن، چه مالی باشد، چه معنوی، چه جانی و چه بدنی، به کسی وارد آورد، مکلف به جبران خسارت وارده است، خواه قانونگذار حکم به جبران آن داده باشد و خواه نداده باشد. بر طبق اصل لزوم جبران کامل خسارت نیز جبران زیان باید تا حدی باشد که خسارت زیان‌دیده را کاملاً جبران و وی را حتی‌المقدور در موقعیتی مشابه موقعیت وی در قبل از زیان وارده، قرار دهد (۳).

حقوق مسؤولیت مدنی علی‌الاصول به سوی جبران زیان دارد و این امر هدف نخستین آن را تشکیل می‌دهد. بنابراین اصل لزوم جبران کامل خسارت از قواعد بنیادی آن به حساب می‌آید. ویژگی مسؤولیت این است که تا حد امکان تعادل از بین‌رفته به وسیله زیان را مجدداً برقرار سازد و زیان‌دیده را در وضعی قرار دهد که اگر عمل زیان‌بار تحقق نمی‌یافت، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. همین امر سبب شده است که قضات و دادگاه‌ها چنین در نظر داشته باشند که خسارت باید به گونه‌ای ارزیابی شود که همه زیان‌های ناشی از عمل زیان‌بار را

پاسخگو باشد. از این اصل نتایج متعددی استنباط می‌شود: یکی از آثار مهم این اصل تطابق راه حل‌های جبران خسارت با وضعیت زیان‌دیده است، به این معنا که راه حل‌های خشک و غیر قابل انعطاف سنتی که در مورد برخی از زیان‌دیدگان به نتایج مطلوب منجر نمی‌شود، جای خود را به شیوه‌های نوین می‌دهد تا بیشترین هماهنگی را با وضعیت زیان‌دیده به وجود آورد (۴).

بی‌تردید از میان کارکردهای متعدد مسئولیت مدنی، تدارک زیان مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود تا از این طریق بتوان تعادل و موقعیت از کفررفته زیان‌دیده را با هزینه مسؤول برقرار کرد. همان‌گونه که در جبران زیان، اثبات ورود ضرر ناروا و قابل مطالبه، اهمیتی به سزا دارد و تکلیف آن بر عهده خواهان دعوی مسئولیت است، تقویم خسارت نیز، شایسته عنایت بوده و این مهم، بر عهده دادرس است. پس ضمن نفی بدون جبران‌ماندن زیان، باید در جستجوی نظامی بود که بر ارزیابی و گستره خسارات قابل جبران حکومت کند. همانند مرحله اثبات زیان که به اقتضای نظام مسئولیت مدنی، بعضی اصول حقوقی حاکم است، در مرحله ارزیابی خسارت نیز برخی اصول بنیادین، راهنمای قضات در تقویم غرامت است. در این راستا در برخی نظام‌های حقوقی، اصل اساسی که بر ارزیابی خسارات حکومت می‌کند «اصل جبران کامل زیان یا تعادل میان زیان و جبران ( Le Principe de la Réparation Intégrale du Préjudice ou «L'équivalence Entredommage et Réparation» نامیده می‌شود (۵).

دو دیدگاه کلی در این‌باره در حقوق ایران مطرح شده است: از طرفی، بیشتر فقهای امامیه بدون آنکه بحث مستقلی را به این مقوله اختصاص دهند و قاعده‌ای کلی در این‌باره بنا نهند، به مناسبت در درس‌های فقهی مختلفی متعرض مسأله خسارت قابل جبران شده و در هر مقام مباحثی را مطرح کرده‌اند، از جمله در بحث قواعد اتلاف، غرور، لاضرر و غصب به جبران ضرر و زیان اشاره کرده و ضمان را در مورد بعضی خسارات ثابت و در خصوص بعضی دیگر منتفی دانسته‌اند (۶).

در مقابل، بسیاری از حقوقدانان اخیر ایرانی که به رغم استفاده و توجه به مبانی فقهی و مباحث فقها، از روشی نوین در مباحث حقوق استفاده می‌کنند، به طور مستقیم به بحث کلی خسارات قابل جبران در حقوق مسئولیت مدنی پرداخته‌اند. آنچه در بین حقوقدانان شهرت دارد و به نظر اصلی مسلم و مطابق با عدالت و انصاف و نیازهای روز معرفی می‌شود، اصل لزوم جبران کلیه خسارات است، بدین نحو که هر کس زبانی به دیگری وارد نماید، صرف نظر از نوع آن (مالی، معنوی، بدنی و جانی)، در صورت جمع‌بودن دیگر شرایط مسئولیت مدنی (فعل زیان‌بار و رابطه سببیت)، مکلف به جبران کامل همه خسارات خواهد بود (۷-۱۰).

#### ۱-۱- بند نخست: جایگاه اصل در حقوق فرانسه: در

حقوق فرانسه در خصوص این اصل رأیی وجود دارد. رأی مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۸۳ دادگاه شهرستان پاریس چنین بیان می‌کند: «از این پس شایسته است که راه‌کار سنتی جبران خسارت به تناسب درصد معلولیت یک شخص با روشی کاملاً متفاوت تغییر یابد. دادگاه چنین خاطر نشان می‌سازد که وضعیت یک معلول با درجه معلولیت بالا، جبران خسارت ویژه‌ای را طلب می‌کند تا پس از زمان صدور رأی استفاده شود. ضروری است که نظام معمول جبران خسارت به وسیله روشی که با نیازهای واقعی آینده معلول منطبق باشد جایگزین شود تا شرایط زندگی او، با توجه به محیط زندگی به صورتی رضای‌کننده درآید. برای خانواده معلول این حق باید پذیرفته شود که بتوانند او را در منزل مناسبی مستقر نمایند و جبران خسارت باید شامل نیازهای مربوط به مسکن، اتاق اصلی برای خود معلول و اتاق دیگر برای غیر او به همراه ابزارهای خاص و وسیله مناسب حمل و نقل به خارج از منزل و مساعدت نسبت به اعمال آخرین مراقبت‌ها، تغذیه و نگهداری ضروری باشد. روشن است که بدون این اصل امکان تحقق این روش‌ها توسط قضات وجود ندارد. اصلی که در حقوق ایران نیز طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی وجود دارد، ولی متأسفانه کم‌تر از سوی قضات مورد استفاده قرار گرفته است (۴).

می‌دهد احکامی که در زمان صدور سخاوتمندانه به نظر می‌رسیدند، بعد از گذشت زمان، معلوم شد که لازم و کافی نبوده است. اگر بخواهیم عادلانه به قضیه نگاه کنیم، باید بگوییم عکس قضیه نیز باید مد نظر باشد، زیرا ممکن است خسارت پرداختی در مجموع بیش از حد باشد، مثلاً طرف در حالت طبیعی زودتر از موعد بمیرد، یعنی اگر مبلغ برای ۱۵ سال به او پرداخت می‌شود، او به طور طبیعی یا اتفاقی ۵ سال بعد فوت کند.

دومین عاملی که ممکن است باعث شود جبران کامل خسارت رخ ندهد، آن است که قضات از اعتنا کردن به شواهد آماری سیستماتیک (Systematic Actuarial Evidence) برای محاسبه خسارات اقتصادی آینده خودداری ورزند. اگر این شواهد آماری در دادگاه‌ها پذیرفته شوند، مدل‌های سفت و سختی برای محاسبه مورد توجه قرار خواهند گرفت، اگرچه هیچ شاهد قطعی برای این مسأله (یعنی بی‌اعتنایی قضات) وجود ندارد. با این حال آن چیزی که بیشتر محتمل است، این است که در جایی که مدت زمان محاسبه و بررسی برای جبران خسارت اقتصادی آینده، طولانی است، تلاش می‌شود هزینه کم‌تری پرداخت شود. این مسأله بیشتر در ذهن اکثریت اعضای کمیته پیرسون (Pearson Committee) بود که تلاش کردند یک ضرب اصلاح‌شده را پیشنهاد بدهند، در حالی که لرد هیلشام (Lord Hailsham) مجلس اعیان را مطلع کرد و دولت هم پیشنهاد اصلاح کمیته را نپذیرفت.

عامل سومی که باعث تضعیف اصل جبران کامل خسارت است، مقوله تورم (Inflation) است. دادگاه‌ها در احکام خود نسبت به ضررهای اقتصادی آینده به جز در مواردی که تورم شدید است آن را محاسبه نمی‌کنند، هرچند دلایلشان کاملاً قانع‌کننده نیست، اما بی‌ارزش هم نیستند. واقعیت آن است که تورم در دهه هفتاد و به ویژه هشتاد به رکورد خود رسید. احکامی که صادر می‌شد، هرچند سخاوتمندانه به نظر می‌رسید، با این حال در زمان فعلی، شاخص تورم کنترل‌شده و قابل اندازه‌گیری است و این بخش از اهمیت زیادی برخوردار نیست (۱۱).

۲-۱- بند دوم: جایگاه اصل در حقوق انگلیس: بر اساس دکترین کلاسیک قرارداد زمانی که در اثر نقض قرارداد، ضرری به یک طرف وارد شود تا جایی که می‌شود با پول می‌توان ضرر او را جبران کرد تا فرضی که او را در وضعیتی قرار دهد که اگر قرارداد منعقد می‌شد آن وضعیت پیش می‌آمد. در مقابل، حقوق مسؤلیت مدنی به دنبال این مسأله است که زیان‌دیده را در وضعیتی قرار دهد که پیش از ضرر به بار آمده وجود داشت.

در خصوص صدمات بدنی جبران کامل خسارت با برآورد درآمدهای مربوط میسر می‌شود و این قاعده بر این مطلب اصرار دارد که میزان مقرر شده ضرر، بیانگر میزان ضرر است. در خصوص منافع ثابت مسأله این است که برخلاف منافع متغیر، قربانیان را برای حفظ سطح زندگی قبل از حادثه خود مکلف نمی‌کند. برای مثال، شخصی که بر اساس درآمد خود از یک وام خرید یا قرارداد خرید استفاده کرده است و بعد از آسیب‌دیدن قادر به ادامه تعهداتش نباشد، میزان خسارت با درآمد قبل از حادثه (Pre-Accident Earnings) خود ارتباطی ندارد، بلکه برعکس، با نرخ ثابت تسهیلات از پیش تعیین شده (Pre-Arranged Flat Rates) تعیین می‌شود. هدف اعلام‌شده از جبران کامل در عمل همیشه به دست نمی‌آید، زیرا به نظر می‌رسد سه عامل آن را محدود کرده است:

نخستین عامل آن است که وقتی قضات به ضررهای آینده رأی می‌دهند می‌کوشند که در آرای خود بخشی از احتمالات آینده (Contingencies) را ندیده بگیرند و به این ترتیب ضررهای ناشی از آن را کم کنند و در نتیجه مبلغ کم‌تری به آن بپردازند.

واقعیت آن است که سیستم قضایی انگلستان، بر اساس قاعده پرداخت یکجای (Lump Sum) پول عمل می‌کند و رخدادن این اتفاق اجتناب‌ناپذیر است، زیرا دادگاه به دنبال این است که در مورد شرایط احتمالی آینده که منجر به ضرر باشد حدس‌هایی بزند، برای مثال احتمال زنده ماندن قربانی یا وابستگی او، آینده درآمدی او و... . ظاهراً هم تمایل بر این است که مقدار کم‌تری پرداخت شود. مطالعات تجربی نشان

## ۳-۱- بند سوم: جایگاه اصل در فقه و حقوق ایران:

در قوانین و مقررات ایران اصلی به نام اصل جبران کامل خسارت را مشاهده نمی‌کنیم، در نتیجه اگر در حقوق ایران در خصوص اصل جبران کامل خسارت بحثی می‌شود، نتیجه مباحث حقوقدانان و به عبارتی بر اساس نظرات دکترین بوده است.

منظور از اصل فوق، این است که «گرامت» باید تمام زیان را - بدون این‌که در اثر نادیده‌گرفتن خسارت، سبب فقیرشدن زیان‌دیده شود - دربر گیرد، اما آنچه به عنوان گرامت، تخصیص می‌یابد تنها معادل زیان وارده است، بدون این‌که موجب داراشدن زیان‌دیده از فعل زیان‌بار و گرامت گردد (۵).

در حقوق ایران می‌توان هم از حیث قانون مدنی و هم فقه به این مسأله پرداخت.

یکی از قوانینی که به احکام مسؤولیت مدنی پرداخته، قانون مدنی است که تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب، درباره جبران خسارات مرتبط بحث کرده است که البته با مقنن در آنجا با اتخاذ برداشتی عام از مفهوم عین و منفعت رو به رو خواهیم بود و همچنین متلف را مسؤول می‌داند؛ اعم از این‌که دلیل اتلاف مستقیم یا غیر مستقیم بوده باشد. ماده ۳۳۱ نیز بدون تبیین منظور از مال را چنین مقرر می‌دارد: «هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن برآید.» هم‌چنانکه ملاحظه می‌شود، قانونگذار در این ماده تنها از جبران خسارت خاصی صحبت کرده و حکمی درباره دیگر خسارات مادی که مصادیق تلف عین و منفعت نیستند، مانند تحمیل هزینه، تقویت منفعت و عدم‌النفع، و دیگر انواع خسارات، همچون خسارات معنوی یا خسارات جسمانی، بیان نمی‌کند. شایان ذکر است که اصطلاح تلف منفعت که در متن قانون به کاررفته، به معنای خاص و محدودی است و نظر به از بین‌رفتن منفعت مال دارد. برای مثال، در مورد خانه، منتفی شدن امکان استفاده و سکونت در آن، در مورد چاه، خشک‌شدن آن، در مورد حیوان سلب قدرت کار و حرکت یا کسر حواس و قدرت آن، و در مورد انسان نیز کسر قدرت و حواس... و به منتفی‌شدن نفع و بهره‌ای که می‌توانست از یک فعالیت به

دست آید و با ایجاد مانع این نفع حاصل نشده و دارایی شخص افزایش نیافته، نظری ندارد. در این موارد اصطلاح تقویت منفعت یا عدم‌النفع به کار می‌رود. همچنین تلف عین یا منفعت بسیاری از هزینه‌ها را که در اثر فعل دیگری ایجاد می‌شود، دربر نمی‌گیرد، از قبیل خسارت دادرسی شامل هزینه دادرسی، حق‌الوکاله و خسارت دیرکرد. همچنین است هزینه‌های اضافی که شخص برای قرارگرفتن در موقعیت مشابه آنچه در صورت عدم تحقق فعل زیان‌بار در آن قرار می‌گرفت، صرف نماید، مانند خرید مال به قیمت افزون بر قیمت توافق‌شده در بیع باطل، یا هزینه درمان در پی ایراد خسارات بدنی و جانی (۶).

آنچه فقها در کتب خود درباره مسؤولیت ناشی از اتلاف و تسبیب مفصلاً بدان پرداخته‌اند، عمدتاً ناظر به تلف و نقص و عیب عین و منافع یا جان (نفس) است که البته همان نظرات و مبانی فقهی، در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی تبلور یافته است. با این حال، در این تحقیقات، از تقویت منافع و دیگر موارد فوق، مطلبی مشاهده نمی‌شود.

در سال ۱۳۳۹ که قانون مسؤولیت مدنی تصویب شد، به طور مفصل‌تری به احکام خسارات قابل جبران پرداخته شده، خاصه در ماده ۱ و سایر مواد این قانون. همچنین درباره هزینه درمان و ناتوانی‌های پس از صدمه، و حتی از مخارج کفن و دفن میت و مستمری افراد واجب‌النفقه مصدوم و میت، در ماده ۶ بحث شده است. در مواد ۸ الی ۱۰ این قانون نیز به بحث درباره ضررهای مادی و معنوی که به دلیل از بین‌رفتن آبرو، حیثیت و اعتبار وارد می‌شود، پرداخته شده است.

قانون مسؤولیت مدنی با توجه به این‌که به انواع مختلف خسارات قابل جبران اشاره کرده و آنان را به رسمیت شناخته، گویای این حقیقت است که نسبت به قانون مدنی به طور مفصل‌تر و جامع‌تر به این بحث پرداخته است، و لکن وقتی در عمل با این قانون مواجه می‌شویم دو پرسش ایجاد می‌شود: ۱- نخست آنکه در عین این‌که دامنه خسارات قابل جبران در این قانون افزایش یافته، آیا اصل لزوم جبران کلیه خسارات نیز به رسمیت شناخته شده است؟ ۲- دوم آنکه در نظام حقوقی

این کشورها را مطرح کنیم و سپس از ابعاد زیان اقتصادی سخن به میان آوریم.

۱-۲- بند نخست: حقوق فرانسه: از سال ۱۸۹۸ در فرانسه، از ضریب ارزیابی ناتوانی دائمی (به میزان ۱۰۰٪) برای جبران خسارت و خطرات شغلی استفاده شده است. مقیاس ارزیابی خطرات شغلی Mayet-Rey-Mathieu-Padovani برای اولین بار در سال ۱۹۲۵ منتشر شد و تا سال ۱۹۸۳ چندین بار تکمیل شد.

اولین مقیاس رسمی Bare`Me برای ارزیابی آسیب‌های بدنی به علت خطرات شغلی در تاریخ ۲۴ مه ۱۹۳۹ و ویراست دوم آن در سال ۱۹۸۲ و ویراست سومش در سال ۱۹۹۶ منتشر شد. در مقدمه این مقیاس، نویسندگان ارزیابی ناتوانی دائمی درکامن‌لا را از خطرات شغلی (یا سایر قوانین خصوصی) به وضوح تفکیک کرده‌اند.

بنابراین در ماه نوامبر ۱۹۵۹ در یک مجله فرانسوی کنکورز مدیکال (Concours Medical) یک مقیاس بسیار مورد نیاز برای کامن‌لا، منتشر شد. پس از آن نسخه، پنج نسخه دیگر در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۲، ۱۹۹۳، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ صادر شد، هنوز هم به عنوان Bare`Me Du Concours Me'dical شناخته شده است و تاکنون محبوب ترین مقیاس مورد استفاده در ارزیابی صدمات بدنی است، زیرا از آن‌ها در تمام ارزیابی‌های پزشکی یا ارزیابی‌های سفارش شده توسط شرکت‌های بیمه فرانسه استفاده انحصاری و اجباری می‌شود. این امر توسط یک تیم متخصص تحت چارچوب انجمن اداره امور دولتی (AREDOC)، به طور مستقیم تحت کنترل شرکت‌های بیمه، نوشته شده است.

این مقیاس نیز به لحاظ قانونی در ارزیابی مسؤلیت‌های پزشکی برای کمیسیون منطقه‌ای برای مصالحه و جبران خسارت برای حوادث پزشکی (Commission Regionale de Conciliation et D'indemnisation Des Accidents Medicaux)، عوارض آئورتژنی و عفونت‌های بیمارستانی با استفاده از روشی که یک کمیسیون تخصصی برای مسؤلیت‌های پزشکی منحصر به فرد به فرانسه است به عنوان مسؤلیت مدنی و جبران پزشکی است (حوادث پزشکی بدون تقصیر یا

ایران، این قانون در عمل چقدر منطبق با اوضاع و احوال حقوقی است و در چه حد و به چه کیفیتی قابل اجراست؟

به هر دو سؤال می‌توانیم به وضوح، پاسخ منفی دهیم، زیرا اگرچه قانون مسؤلیت مدنی دامنه خسارات را افزایش داده است، اما همه انواع خسارات را احصا نکرده است، چه این‌که مباحث زیادی را حقوقدانان مطرح و بررسی کرده‌اند، ولی در این قانون، حتی به جبران‌پذیری این خسارات اشاره هم نشده است؛ از آن قبیل است: خسارات معنوی مثل رنج عاطفی ناشی از فوت بستگان یا خسارات شدید بدنی نزدیکان، ضربه شدید و شوک روحی و عاطفی، یا ناتوانی در تمتع از مواهب طبیعی و زیست‌محیطی.

علاوه بر خسارات شناسایی‌شده فوق توسط حقوقدانان، برخی خسارات و ضررها نیز در عرف شناخته شده است که البته در قانون مسؤلیت مدنی بدان پرداخته نشده، همچون از بین رفتن یک موقعیت مالی مناسب که عملاً وجود داشته است - اگرچه مبتنی بر حقی نیست - یا از دست‌دادن شانس و عدم النفع.

## ۲- گفتار دوم: قواعد کلی محاسبه خسارات اقتصادی ناشی از صدمه بدنی در کشورهای مختلف

ایده شخصی‌سازی آسیب در نظام‌های مختلف قانونی به مثابه یک دارایی (Asset) در نظر گرفته می‌شود. برای مثال این امر مربوط به معیارهای انطباق میزان جبران با ویژگی‌های فرد است. ارزیابی پزشکی آسیب‌های بدنی به عنوان بخشی از جبران خسارت در مسؤلیت عمومی تنها می‌تواند بر اساس تجزیه و تحلیل پیچیده شخصی و فردی باشد. این تحلیل باید از روش تکرارپذیری حاصل شود و از پارامترهای مشترک و انگیزه استفاده کند، در حالی که بر اساس نیاز به درک واقعیت است و واقعیت آن است که معیار فردی است، بنابراین منحصر به فرد است، پس قاعده‌بردار نیست.

ارزیابی نظام‌های حقوقی مختلف و البته کشورهای متفاوت تابع یک نظام حقوقی، از خسارات اقتصادی ناشی از صدمات بدنی، یکسان نیست، از آنجا که چند کشور خاص فرانسه، انگلستان و آمریکا و نیز خود ایران قواعد حقوقی متفاوتی در این حوزه دارند برآنیم که در این قسمت ابتدا بحثی از حقوق

این که رأساً پیگیری می‌کند، یک کارشناس ارشد نیز در طول کار، وی را ارزیابی و کنترل می‌نماید.

پس از این آموزش، آن شخص به عنوان یک تازه کار برای دادگاه خواهد بود و در نهایت یک متخصص پزشکی در زمینه ارزیابی آسیب خواهد بود، زمانی که تعداد کافی از موارد را به عنوان یک تازه کار دنبال کرده است، البته او ممکن است یک متخصص قضایی (Judicial Expert) باشد.

با یکی از این دو معیار، پزشک همچنین ممکن است یک متخصص فرا قانونی باشد. اکثر موارد ارزیابی آسیب‌های بدنی توسط پزشکیانی که برای شرکت‌های بیمه مشغول به کار هستند، اغلب به عنوان «کارشناسان» نامیده می‌شوند، اما در واقع مشاوران بیمه‌های پزشکی (Medical Insurance Advisors) هستند، انجام می‌شود.

بین ارزیابی پزشکی آسیب و ارزیابی قانونی تفاوت وجود دارد. کارکرد متخصص پزشکی تنها نشان دادن مسائل حقوقی (Factual Matters) است و نه ارزیابی آسیب. نقش متخصص توسط سند صادر شده توسط قاضی (مأموریت تخصصی) محدود شده است. فرم‌های مختلف این سند وجود دارد که روش‌های ارزیابی آسیب‌های مختلف را پیشنهاد می‌کند، البته از طرف انجمن جبران خسارت در سال ۲۰۰۶ مأموریت‌های صورت گرفته بود و مأموریت داوطلبانه نقاط قوت و ضعف نقاط ضعف که توسط کمیساریای بیمه‌گران تهیه شده بود و قضات را تشکیل می‌دادند. چنین اسنادی اجباری نیست، اما متخصص پزشکی باید از هر دستورالعملی که توسط قاضی به او داده شده است، پیروی کند.

تکنیک تخصص متضاد است، شامل جمع‌آوری و حضور همه طرف‌ها، دسترسی مشترک به اسناد نیز با در نظر گرفتن دسترسی کامل و نامحدود بیماران به سوابق پزشکی خود، به عنوان مسؤول ارائه مدارک پزشکی آن‌ها است.

اصطلاح «تثبیت (Consolidation)» در ارزیابی آسیب‌های مختلف نقش مهمی دارد. هنگامی آسیبی تثبیت شده قلمداد می‌شود که انتظار بهبود یا وخامت آن نرود. تمایز میان دوره اختلال موقت و اختلال دائمی ایجاد می‌شود. زیان‌های غیر اقتصادی که شخص در اثر اختلال موقت از آن رنج می‌برد

سوءمعالجه) (Medical Accident without Fault or Malpractice).

انجمن پزشکی قانونی فرانسه (SFML) در سال ۲۰۰۰ یک مقیاس قانونی رایج، جامع‌تر از کنکورز مدیکال و مقیاس‌هایی برای ارزیابی رنج (Suffering Assessment) (Doloris کوانتومی)، آسیب‌های زیبایی‌شناسی و جنسی (Aesthetic and Sexual Damages) منتشر کرد.

اخیراً انجمن تحقیقات خسارات بدنی (AREDOC: Association pour l'Étude de la Réparation du Dommage Corporel) و انجمن پزشکی قانونی فرانسه در ایجاد مقیاس واقعی برای ارزیابی رنج، از جمله تأثیر روان‌شناختی حوادث و بیماری‌ها، همکاری کردند.

با توجه به تغییر اخیر (۲۰۰۵ م) در تعداد و تعریف آسیب‌های مختلف بدن که از تصمیم مالی برای قربانی گرفته شده است، اخیراً انجمن تحقیقات خسارات بدنی یک مقیاس را برای ارزیابی آسیب موقت شخصی (با توجه به تأثیر در ظرفیت کار) در نظر گرفته است.

در دهه‌های گذشته و به ویژه از زمان دینتیلهاک (Dintilhac) در سال ۲۰۰۵ تمایل مشخصی برای متحد کردن معیارهای ارزیابی (یعنی مقیاس‌ها) در ارزیابی‌های سفارش شده توسط شرکت‌های بیمه و دادگاه‌ها وجود داشته است، در نتیجه تفاوت بین کارشناسان پزشکی که در دادگاه‌ها و مشاوران پزشکی که در شرکت‌های بیمه مشغول به کارند، کاهش می‌یابد و حداقل برای هر قربانی، ارزشمندتر و احتمالاً بهتر است. این خبر خوب است، در مواردی که کمبود پزشکان فرانسوی و به خصوص کارشناسان پزشکی قابل توجه است.

در فرانسه، متخصص مسؤول ارزیابی آسیب ممکن است یک متخصص پزشکی قانونی باشد که در یک دوره کارشناسی (پس از ۶ سال پزشکی) و در زمان مشارکتش در یکی از دانشگاه‌های فرانسه آموزش دیده است. معمولاً این تمرین حداقل ۳ سال طول می‌کشد. روش دیگر برای کسب مدرک تحصیلی این است که مدارک تحصیلی دانشگاهی را برای ارزیابی آسیب که ممکن است ۱-۲ سال طول بکشد و طی آن دانشجو پس از گذراندن یک دوره نظری ۱۰۰ ساعته، علاوه بر

در صورتی که فردی در بیمارستان باشد یا در روز و شب در مرکز توانبخشی قرار گیرد، معمولاً تخفیف موقت در نظر گرفته می‌شود. شرکت‌های بیمه در چهار دسته تخفیف موقت جزئی که اساساً بر استفاده از صندلی چرخدار، استفاده از عصا و... طبقه‌بندی شده است (۱۲).

قانون فرانسه هزینه‌های درمانی فرد آسیب‌دیده و بازگرداندن او به سلامتی را جبران می‌کند که شامل پرداخت برای یک پروتز، صندلی چرخدار و انجام کارهای خانه می‌شود. مقررات امنیتی اجتماعی، فعال کردن قربانی برای به دست آوردن همه نیازهای پزشکی خود بدون نیاز به هرگونه پرداخت وجه است، البته یک اصل کلی آزادی انتخاب دکتر و بیمارستان برای آسیب دیده وجود دارد و اگر خود را به عنوان یک بیمار خصوصی با هزینه خود درمان کند، این هزینه‌ها قابل بازیابی است و توسط تأمین اجتماعی فرانسه پرداخت می‌شود (تا ۸۰٪). بنابراین شاکی موظف به استفاده رایگان از درمان‌های پزشکی و بیمارستان نیست، البته اگر مریض وضعیت خویش را بدتر کرده باشد، نمی‌تواند صورت حساب زیان بیشتر را دریافت کند. اقلامی که ممکن است به عنوان هزینه‌های پزشکی ادعا شوند بسیار متنوع‌اند. هزینه‌های مراقبت‌های پرستاری در خانه نیز می‌تواند ادعا شود. نکته مهم آنکه یک شاکی به همان اندازه حق برخورداری از هزینه‌های آینده را دارد که می‌تواند از هزینه‌هایی که در زمان صدور حکم بر او وارد می‌شود، استفاده کند (۱۲).

**۲-۲- بند دوم: حقوق انگلیس:** پرونده دونوگو علیه استیونسون (Donoghue v Stevenson)، یک مورد برجسته در قانون نقض اسکاتلند و قانون مجازات انگلیسی توسط مجلس لرد محسوب می‌شود، این پرونده یک مفهوم مدرن غفلت را با تعیین اصول کلی که به موجب آن یک شخص وظیفه مراقبت از شخص دیگری را دارد، ایجاد کرد.

این پرونده به نام «حلزون پیسلی (Paisley)» یا «حلزون در بطری» شناخته می‌شود. در واقع خانم دونوگو یک بطری آبجو زنجبیل را در کافه‌ای در پیلسی رنفروشایر می‌نوشد. آبجو را دوست خانم دونوگو خریده است. یک حلزون مرده در بطری بود. او بیمار می‌شود و علیه تولیدکننده آبجو، آقای استیونسون

اغلب قبل از سال ۲۰۰۶ نادیده گرفته می‌شد و تنها جنبه اقتصادی از دست دادن مد نظر قرار می‌گرفت. اختلال موقت یا کلی است (هر دوره زمانی که قربانی به طور دائم در مرکز بیمارستان یا توانبخشی قرار دارد) یا جزئی. هنگامی که جزئی است، آن را با ۱٪ مشخص می‌کنند. شرکت‌های بیمه اختلالات جزئی موقت را به چهار دسته تقسیم می‌کنند. توصیف بالینی از اختلالات انجام شده است و ارزیابی با ۱٪ بر اساس Baremes ارائه می‌شود.

برای ارزیابی ارزش علمی صدمه/ آسیب، حقایق پزشکی (گواهی برای اطمینان از واقعیت آسیب، سی تی اسکن، رادیوگرافی و...) و معاینه بالینی اساس و مینا است. اصل اساسی برای علیت این است که آسیب مورد نیاز باید نتیجه «مستقیم، مطمئن و منحصر به فرد» از یک علت باشد. نوع و شدت آسیب‌های ناشی از حوادث/ تروما به خصوص در مورد ارتباط با ساز و کار احتمالی آسیب دیده مورد بحث قرار می‌گیرد.

برخی از معیارهای لازم مانند رابطه علمی بین آسیب و مکانیزم آسیب، اتصال احتمالی بین محل تشریحی آسیب و محل تشریح اولیه آسیب، تأخیر بین آسیب و شروع علائم و احتمال تکامل بالینی است. در نهایت سابقه پزشکی قربانی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، به ویژه برای آسیب دیدگی در ناحیه آسیب و یا آسیب دیدگی در ناحیه قدامی. هنگامی که این ارزیابی جهانی به پایان می‌رسد، متخصص می‌تواند اطمینان از ارتباط بین حوادث و آسیب/ آسیب را ارزیابی کند. علاوه بر این، شرایط خاصی نیز باید مورد توجه قرار گیرد، از قبیل شرایط قبل از ازدواج، پیش‌داوری (یعنی هموفیلی)، وجود عوامل تشدیدکننده شرایط پیش از ازدواج و تشدید بیماری.

در فرانسه، شاخص و معیاری برای میزان اختلال موقت (نرخ ناتوانی)، وجود ندارد، اما این کمبود اختلالات موقت ممکن است بر اساس مواردی باشد که برای اختلال دائمی استفاده می‌شود. اختلاف بین آنچه نقصان موقت کلی و نقص موقتی ناشی از آن است، وجود دارد.

شکایت می‌کند. مجلس لردان تصریح کرد که تولیدکننده وظیفه مراقبت از آن را بر عهده داشت، زیرا از حیث منطقی قابل پیش‌بینی بود که عدم اطمینان از ایمنی محصول موجب آسیب‌رساندن به مصرف‌کنندگان شود.

در انگلستان، به موجب تراژدی تالیدومید (Thalidomide Tragedy)، تحت رهبری لرد پیرسون (کمیسون پیرسون)، یک کمیسیون سلطنتی مسئولیت مدنی و جبران خسارت شخصی در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد. کمیسیون در سال ۱۹۷۸ گزارش داد و توصیه‌های رادیکال را برای اصلاحات مسئولیت مدنی تهیه کرد. پیرسون معتقد بود که از زمان پایان جنگ جهانی دوم، نقش سنتی جبران خسارت با افزایش دولت رفاه، منسوخ شده است. او تصور می‌کرد که نقش اولیه نظام مسئولیت مدنی آن زمان، اعطای مزایا بود تا جبران خسارت و امنیت پس از تصادف و دادرسی مسأله‌ای ثانویه بود، در نتیجه کمیسیون توصیه یک طرح بیمه مبتنی بر مسئولیت بدون خطا (No-Fault Insurance Scheme) برای تصادفات جاده‌ای و تصادفات صنعتی و یک طرح مسئولیت مطلق برای حفاظت از مصرف‌کنندگان (Strict Liability for Consumer Protection) را ارائه کرد، اگرچه پاسخ دولت به او سرد بود و از توصیه و اصلاحات او پیروی نکرد.

در سال ۱۹۹۴، لرد چنسلر، آقای رولز، لرد وولف، دستورالعمل‌هایی را برای تثبیت قوانین موجود در پرونده مدنی اعلام کردند.

در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۶، لرد وولف گزارش «دسترسی به عدالت» را منتشر کرد که در آن تعدادی از اصول مربوط به سیستم عدالت مدنی را که برای اطمینان به دسترسی به عدالت لازم است، شناسایی کرد:

- در نتیجه‌گیری‌هایمان بی‌طرف باشیم.
- در نحوه رسیدگی به دادخواهان منصف باشیم.
- پیشنهادهای مناسب را با هزینه معقولی ارائه دهیم.
- با سرعتی معقول رسیدگی‌ها را انجام دهیم.
- قابل درک برای کسانی که از آن استفاده می‌کنند، باشیم.
- این اصول به نیازهای کسانی که از آن استفاده می‌کنند، پاسخگو باشد.

البته لرد وولف دو کار دیگر را هم انجام داد: ۱- اول، جدول زمانی برای اطراف دعوا را برای انجام مراحل خاص در پرونده اصلاح کرد؛ ۲- دوم، گواهان را متخصص و افشاگری را محدود کرد.

موضوع دوم گزارش این بود که با توجه به مسائل کلیدی و محدودکردن میزان کاری که باید بر روی پرونده انجام شود، هزینه‌های دادرسی، زمان و پول، کنترل می‌شود، در نتیجه قانون در ۲۷ فوریه سال ۱۹۹۷ تصویب شد و این قدرت را برای تصویب قواعد آیین دادرسی مدنی داد. وی همچنین شورای عدالت مدنی را تأسیس کرد که متشکل از اعضای قوه قضاییه، اعضای حرفه‌ای و کارکنان رسمی و متعهد به بررسی سیستم عدالت مدنی بود. مقررات آیین دادرسی مدنی (CPR) در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸ ایجاد شد و در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۹۹ به اجرا درآمد. این قوانین آیین دادرسی است که توسط دادگاه تجدید نظر، دادگاه عالی دادگستری و دادگاه‌های شهرستان در پرونده‌های مدنی در انگلستان و ولز استفاده می‌شود. آن‌ها در همه موارد اعمال می‌شوند و عمدتاً قوانین دادگاه عالی و قوانین دادگاه را جایگزین می‌کنند. نسخه ۷۸ مقررات آیین دادرسی مدنی در ماه ژانویه و آوریل ۲۰۱۵ به تصویب رسید. مقررات آیین دادرسی مدنی برای بهبود دسترسی به عدالت طراحی شده است، با انجام دادرسی قانونی ارزان‌تر، سریع‌تر و آسان‌تر برای درک غیر قانونی. در همین حقوق هم اصلاحاتی در باب خسارات صورت گرفته است (Review of Civil Litigation Costs: Final Report. Ministry of Justice TSO (2010)).

خسارات مربوط به آسیب‌های شخصی به صورت خاص یا عمومی دسته‌بندی می‌شود و هر دو نوع می‌توانند در یک مورد اعطا شوند.

- ۱- خسارات ویژه (زیان‌های اقتصادی) هزینه‌هایی است که اندازه‌گیری و مشخص می‌شوند و شامل موارد زیرند:
  - زیان‌های گذشته: هزینه‌های پزشکی، هزینه اقامت خریداری‌شده به علت معلولیت، از دست‌دادن درآمد و آسیب به اموال، البته تمایل هم بر آن است که در این حالت نرخ‌ها به تاریخ محاکمه تعیین شوند.

درخواست ادعای خود را از دست خواهد داد، اما این وضعیت دو استثنا دارد که این مرور زمان را تحت تأثیر قرار و آن را تغییر می‌دهد: ۱- نخست آنکه دادگاه صلاحیت دارد که دوره محدودیت را تمدید یا آن را لغو کند، در صورتی که تعیین آن عادلانه باشد؛ ۲- دوم آنکه اگر حادثه باعث آسیب شود. برای مثال، ناشنوبی صنعتی، پس آن دوره ۳ ساله از زمانی آغاز می‌شود که فرد مجروح می‌داند که آسیب دیده است. در این صورت از آن زمان شروع می‌شود نه از زمان آسیب (Limitation Act 1980, s.2).

### ۳-۲- بند سوم: حقوق ایالات متحده آمریکا: در

کتاب مقدس مسیحیان نوشته شده است که «اگر کسی کار نمی‌کند، نباید بخورد ( If Any Would Not Work, Neither Should He Eat)». از این رو انتظارات بلندمدت در میان افراد در هر جامعه‌ای وجود دارد که اعضا باید به طور جداگانه به نفع و به اشتراک گذاشتن سهم بپردازند. به نظر می‌رسد به همان اندازه درست است که اعضای فردی که نمی‌توانند به علت معلولیت مشارکت کنند، ممکن است از این انتظارات معاف شوند و در عین حال از مزایایی که دیگر اعضای گروه حق برخورداری از آن را دارند، برخوردار باشند. همچنین سوءاستفاده فرد از جامعه از طریق ادعاهای ناعادلانه و اغراق‌آمیز از معلولیت که موضوع عدالت اجتماعی می‌شود، امکان‌پذیر است.

بنابراین سیستم‌های جبران و ارزیابی ناتوانی، قوانین مربوط به معلولیت و حق الزحمه را تعیین می‌کنند. همچنین روش‌هایی برای تعیین این که چه کسی ناتوان است. این قواعد در نظر گرفته شده است تا توزیع منصفانه و عادلانه منابع محدود سیستم را به کسانی که نیازمندی‌های آن‌ها بیشتر و معلولیت‌هایشان بیشتر قانع‌کننده است، صورت گیرد. قوانین و مقررات این سیستم‌ها از زمان آغاز تاریخ بوده است و جزء عنصری از ساختار اجتماعی ما هستند که ریشه در ریشه‌های جامعه بشری دارند.

### ۳-۲-۱ سیستم‌های جبران خسارت در حقوق معاصر

ایالات متحده آمریکا ( Contemporary Disability Compensation Systems): آسیب‌های که به بدن می‌رسد

- ضررهای آینده: مراقبت‌های آینده، هزینه‌های پزشکی، از دست‌دادن درآمد، کمک‌های آینده، لوازم و نیازهای مسکن. هیچ تمایلی به زیان‌های آینده وجود ندارد.

۲- خسارات عمومی (خسارات غیر اقتصادی) شامل هزینه‌های قابل اندازه‌گیری کم‌تر از قبیل از دست‌دادن آسایش و ناراحتی‌های احساسی است. خسارات ناشی از دست‌دادن کنسرسیوم در قانون انگلستان توسط قانون دادگستری ۱۹۸۲ لغو شد (Administration of Justice Act 1982). از تاریخ خدمت محاکمات قانونی، میزان خسارت عمومی ۲٪ تعیین می‌شود.

مقدار جبران خسارت شخصی عمدتاً به شدت آسیب بستگی دارد. آسیب‌های جدی (مانند استخوان‌های شکسته، اندام‌های جداشده، آسیب مغزی) که موجب درد و رنج‌های فیزیکی شدید می‌شوند، بیشترین پول آسیب‌پذیری را دریافت می‌کنند. به غیر از جبران آسیب‌ها، فرد مجروح ممکن است در زندگی به واسطه آسیب‌ها رنجور نیز گردد که بیش از جبران خسارتی که برای خود آسیب مقرر است، باید برایش جبران شود.

شایع‌ترین انواع ادعاهای صدمه بدنی تصادفات جاده‌ای، حوادث در محل کار، حوادث ناشی از سفر، ادعاهای حمله، حوادث در خانه، حوادث ناشی از نقص و تصادفات است. آسیب شخصی شامل حوادث پزشکی و دندان‌پزشکی است که در آن تعداد زیادی از ادعاهای سهل‌انگاری و شرایطی که اغلب به عنوان موارد بیماری شغلی محسوب می‌شوند، مانند سندرم ارتعاش دست و ناشی از دستگاه‌های ارتعاشی دستی، ناشنوبی شغلی، استرس شغلی و درماتیت تماس را شامل می‌شود.

با توجه به عمدی بودن یا غفلت آسیب‌زننده، شخص مجروح ممکن است از طریق یک حل و فصل یا یک قضاوت، دارای حق جبران خسارت مالی از طرف شخص آسیب‌زننده باشد. در حقوق انگلستان مرور زمان دعاوی مربوط به جبران خسارات بدنی، ۳ سال است. به عبارت دیگر در این کشورها طبق قوانین محدودیتی که در آن یک فرد تقاضای جبران خسارت می‌کند، پرونده‌های دادرسی باید در عرض ۳ سال از تاریخ حادثه آغاز شود، در غیر این صورت متقاضی حق

و به مسؤولیت مدنی منجر می‌شود، ممکن است در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه موتوری یا قرارگرفتن در معرض سمی، سوءرفتارهای پزشکی یا محصولات معیوب باشد. از آنجا که بهبود برای آسیب‌های صنعتی تحت قوانین کامن‌لا ناکافی بود، قوانین جبران خسارت‌های مختلف کارگران در دوران قرن بیستم در ایالات متحده آمریکا با هدف ارائه سریع راه‌حل‌های مربوط به آسیب‌های صنعتی اعمال شد. نیاز به قوانین جبران خسارت کارگران در سطح ایالتی در پاسخ به بسیاری از عوامل، از جمله تغییر اجتماعی از یک جامعه کشاورزی به یک عصر صنعتی و در نتیجه آسیب‌های فاجعه‌بار منجر به مرگ چندصد تن در حوادث منفرد، مانند انفجار معدن در ویرجینیای غربی در سال ۱۹۰۷ و آتش‌سوزی کارخانه خیاطی نیویورک در سال ۱۹۱۱ ایجاد شد. ظهور اتحادیه‌های کارگری و افزایش آگاهی از حقوق کارگران، از عوامل عمده در تصویب قانون گارانتی‌های مختلف کارگران بود. علاوه بر این، تنها راه قانونی برای این کارگران آسیب‌دیده، قانون مسؤولیت مدنی بود که در بیشتر موارد، به دلیل فرایند بسیار طولانی و اغلب پرهزینه‌اش با چندین دفاع منحصر به فرد برای متهم، ناکارآمد بود. قانون جبران خسارت کارگران با هدف کاستن بار اثبات خسارت از دوش کارگران به این‌که مسؤولیت مدنی ناشی از آسیب بدنی بر اساس مسؤولیت بدون تقصیر باشد، روی کار آمد.

طبق قوانین جبران خسارت کارگران، برای حل معضلات روند رسیدگی به یک سیستم «بدون خطا» ادعاهای صدمه که از «خارج و در زمان استخدام» ایجاد شده است، تصویب شد. سیستم‌های جبران خسارت کارگران در ایالات متحده آمریکا به موجب قوانین ایالتی و فدرال اجازه می‌دهد که از اقتصاد کارگران در صدمات شخصی که ناشی از اشتغال یا در جریان اشتغال است، حفاظت کند. به طور کلی، این کار از طریق طرح‌های بیمه خصوصی انجام می‌شود که خطر ابتلا به آسیب‌های شغلی و بیماری‌ها را در معرض حق بیمه پرداخت شده توسط کارفرما تحت قانون انجام می‌دهند. چندین ایالت در آمریکا خودشان به عنوان بیمه‌گر خود خدمت می‌کنند.

قوانین جبران خسارت کارگران در هر ایالت تغییراتی دارند، از لحاظ تاریخی، مقررات جبران خسارت کارگران برای پوشش‌دادن جراحات ناشی از «حادثه» (احتمال، رویداد غیر منتظره و ناخواسته) در محل کار در یک نقطه و زمان خاص، در نظر گرفته شده است، چیزی که مخالف بیماری یا شرایطی است که به تدریج در طول زمان ظهور کرده باشد. در واقع این تمایز اغلب به وضوح انجام نمی‌شود و اکنون پوشش جبرانی به طور معمول به «بیماری» یا «بیماری شغلی» و همچنین اختلال ناشی از «تشدید» شرایط پیش‌شرط و زمینه‌ای گسترش می‌یابد (۱۳).

جبران خسارت کارگران یک نوع بیمه است. بیشتر کارفرمایان باید این بیمه را برای کارگران که به علت مشاغل خود زخمی و یا بیمار شده‌اند، فراهم کنند. این خدمات برای مراقبت‌های پزشکی و دستمزدی است که کارگر از دست می‌دهد، زیرا توانایی او در کار تحت تأثیر قرار می‌گیرد. کارفرمایان برای این‌که این بیمه را پرداخت کنند، ممکن است از کارگران بخواهند هر چیزی را نسبت به هزینه آن پرداخت کنند. مزایا توسط حامل بیمه یا توسط کارفرمای خود پرداخت می‌شود، اگر خود را بیمه کرده باشد. مزایا طبق قانون پرداخت می‌شود و هیأت جبران خسارت کارگران (Workers' Compensation Board) تضمین می‌کند که به درستی پرداخت شوند. هیأت جبران خسارت کارگران یک سازمان دولتی است که بر کارفرمایان و بیمه‌گران و نیز کارگرانی که ادعای مجروح‌شدن دارند، نظارت می‌کند. اگر بیمه‌گذار موافقت کند که این حادثه مربوط به کار است یا اگر هیأت مدیره آن را دستور دهد، حکم به جبران خسارت داده می‌شود. کارفرما یا بیمه‌گر می‌تواند این ادعا را متوقف کند. در صورتی که چنین اتفاقی بیفتد، هیأت مدیره خواهد کوشید تا اختلافات را ظرف ۹۰ روز حل کند. برای مثال بیمه‌گر ممکن است بر این باور باشد که این حادثه در محل کار رخ نداده است (۱۴).

یک کارگر مجروح سه نوع مزایا دارد: ۱- مزایای بازماندگان در صورت آسیب یا بیماری که به مرگ منتهی

شود؛ ۲- هزینه‌های پزشکی و توانبخشی؛ ۳- مزایای از دست دادن دستمزد.

پوشش برای هزینه‌های پزشکی و بازسازی آسیب ۱۰۰٪ برای خدمات مجاز است. در صورت فوت، همسر و یا فرزند بازمانده می‌توانند از حقوق شهروندی و بازنشستگی ماهانه (به طور کلی ۳/۲ از میانگین دستمزد ماهانه در زمان مرگ تا حداکثر حد مجاز)، در صورتی که همسر ازدواج مجدد نکند و در مورد کودکان، تا ۱۸ سالگی (یا ۲۲ سالگی اگر دانشجو باشند) بهره‌مند شوند. مزایای از دست‌دادن دستمزد طبق چهار سطح جداگانه معلولیت کار پرداخت می‌شود. معلولیت موقت در طول دوره درمان اتفاق می‌افتد و ممکن است کلی (کارگر نتواند کار کند) یا جزئی باشد (کارمند مجاز است رزومه «وظایف اصلاح‌شده (Modified Duty)» را با محدودیت‌هایی انجام دهد (۱۵).

۲-۳-۲- قوانین جبران خسارت اجتماعی فدرالی ایالات متحده (US Federal Social Security Compensation Laws): در زمان استعمار یک سیستم رفاه کم‌جان ساختار یافته‌ای در ایالات متحده وجود داشت. برنامه‌های اولیه غیر رسمی، داوطلبانه و در سطح جامعه عمل می‌کردند. در اوایل دهه ۱۹۰۰ برنامه‌های اجتماعی و دولتی اتفاق افتاد. قانون تأمین اجتماعی سال ۱۹۳۵ اولین برنامه فدرال بود که در دوران حکومت فرانکلین روزولت برای ایجاد یک سیستم رفاه اجتماعی فدرال پس از رکود بزرگ اجرا شد. در ابتدا، این برنامه در نظر گرفته شده بود تا نیازهای افراد نامطلوب را از طریق سن، بیکاری، ناتوانی یا مرگ همسر تعیین کند. قانون دوم، سن بازنشستگی بیمه برای کارگران ۶۵ سال بود (۱۶).

اداره تأمین اجتماعی (SSA: The Social Security Administration) بزرگ‌ترین برنامه ناتوانی در ایالات متحده است که به ۳۳ تا ۵۰ درصد افراد معلول واجد شرایط، کمک می‌کند. این برنامه مزایایی برای معلولان دارد: ۱- اول، بیمه معلولیت اجتماعی (SSDI: Social Security Disability Insurance)، برنامه‌ای است که در سال ۱۹۵۶ تأسیس شد تا یک صندوق جداگانه برای کارگران بالای ۵۰ سال ایجاد کند که به طور کامل و به طور دائم معلول بودند. SSDI

صورت فدرال از طریق SSA اداره می‌شود و از طریق مالیات بر حقوق و دستمزد که شامل کسورات برای سن و معلولیت OASDI است، تأمین می‌شود. فرآیند درخواست با اداره تعیین ناتوانی در سطح ایالتی آغاز می‌شود. برای واجد شرایط بودن، یک فرد باید در یک کار تحت پوشش SSDI برای حداقل دوره (به طور کلی، ۵ تا ۱۰ سال قبل از شروع معلولیت) کار کرده باشد. مزایای بازنشستگی برای افراد معلول فراهم می‌شود که از طریق مالیات بر حقوق و دستمزد FICA در دوره مورد نیاز کمک کرده‌اند و معلولیت آن‌ها شامل ناتوانی کامل است؛ ۲- دوم، قانون مسئولیت فدرالی کارفرمایان (The Federal Employers Liability Act) (FELA) در سال ۱۹۰۸ برای اعطای مزایای معلولیت به کارکنان صنعت راه‌آهن بین ایالتی برای آسیب‌های مرتبط با شغل اعمال شد. در آن زمان، راه‌آهن بزرگ‌ترین کارفرما و کارهای راه‌آهن بسیار خطرناک بود. قبل از تصویب این قانون، کارکنان مجروح به دنبال اخذ جریمه‌هایی، در راستای جبران خسارت بودند. FELA دفاعیات کارفرمایان را تنها به سهل انگاری (که در حال حاضر به سهل‌انگاری نسبت داده می‌شود) که بر اساس درصد تخلف کارفرما و کارکنان تقسیم می‌شود محدود می‌کرد و آگاهی کارفرمایان را برای مسئولیت و انگیزه برای پیشگیری از آسیب‌های محل کار افزایش می‌داد. FELA نظام بالقوه‌ای است که در آن کارکنان مجروح ممکن است در مورد حل و فصل غیر دولتی مذاکره کنند. بر اساس قواعد FELA، خواننده باید سهل‌انگاری در بخش راه‌آهن را ثابت کند. در عوض راه‌آهن ممکن است دفاع از سهل‌انگاری نسبی را مطرح کند، به این ترتیب بازپرداخت خسارات می‌تواند به طور معکوس کاهش یابد. FELA شخص مقصر را برای جبران خسارات اقتصادی و نیز جبران درد و رنج مکلف می‌کند. مزایای اضافی می‌تواند شامل موارد بازنشستگی و سالیانه بیمه و معلولیت باشد.

**مبحث دوم: اقسام خسارات اقتصادی ناشی از صدمات بدنی:** خسارت اقتصادی که در اثر صدمات بدنی به بار می‌آیند عبارتند از: خساراتی که برای درمان و هزینه‌های مرتبط با

هزینه‌ها با امتیاز بهره‌مندی از سرویس خدمات درمانی ملی باشد.

با توجه به قسمت ۲-۴ از اصلاحات قانون (صدمات شخصی) مصوب سال ۱۹۴۸ انگلستان، شاکی ممکن است متحمل هزینه‌های دارویی خاصی شود که همان‌ها را به وی خواهند پرداخت، هرچند بیمه خدمات درمانی (NHS) را نیز در اختیار داشته باشد. عده‌ای اعتراض کردند که شخص ممکن است در جاهای لوکس بستری شود و هزینه‌های درمانی غیر ضروری را به آسیب‌زننده و خاطی تحمیل کند. در پاسخ به این اعتراض، کمیسیون پیرسون (Pearson Commission) توصیه کرده است که در جایی که شخص متحمل هزینه‌های پزشکی خصوصی می‌شود، تنها در صورتی دریافت دوباره این هزینه‌ها (توسط کسی که هزینه کرده) میسر است که بر اساس این منطق باشد که شخص تنها به دلایل پزشکی (Medical Grounds) متحمل آن‌ها شده باشد، البته این توصیه هنوز پذیرفته نشده است (۱۸).

بخش پنجم از قانون عدالت اداری مصوب ۱۹۸۲ (Administration of Justice Act 1982) مقرر می‌دارد در صورتی که شخص آسیب‌دیده در جایی بستری شود که بیمارستان‌های عمومی یا پرستار خانگی یا سایر مؤسسه‌ها هزینه‌های وی را بپردازند که باعث شود پس‌انداز صورت گیرد، باید این هزینه‌های پس‌انداز شده (به علت عدم استفاده از امکانات هزینه‌بر درمانی) در مقابل درآمدهای از دست‌رفته وی قرار گیرد. در قانون رفت و آمد جاده‌ای مصوب ۱۹۹۹ (The Road Traffic (NHS Charges) Act 1999) بیمه‌های خدمات درمانی بیمارستان‌ها را قادر کرده است که از بیمه‌خوندگان هزینه‌های درمانی قربانیان تصادف را برگرداند.

اگر خواهان در نتیجه صدمه‌ای که به او وارد شده است، محل خاصی را که اجاره کرده (Special Accommodation) از دست بدهد، می‌تواند هزینه‌های سالانه‌اش را که به این دلیل اضافه شده، مطالبه کند، اما نمی‌تواند هزینه‌های سرمایه‌ای ناشی از اجاره مذکور را بگیرد. به عنوان مثالی از هزینه‌های اضافی که اشاره شد که در نتیجه خطای مدنی اتفاق افتاده است می‌توان به پرونده جونز علیه جونز در سال ۱۹۸۴ اشاره

آن مانند هزینه‌های پزشکی، جراحی، دارو، بیمارستان و... به کار می‌رود و خساراتی که در اثر حادثه، شخص دیگر نمی‌تواند به مبالغ و مزایایی دست یابد.

### ۱- گفتار نخست: هزینه‌های درمان و سایر هزینه‌های مرتبط با آن (Medical and Other Expenses)

خواهان محق است که هرگونه هزینه پزشکی و پرستاری و هزینه‌های مراقبت و درمانی دیگر را (برای مثال می‌توان به هزینه‌های به کارگرفتن شخص مراقبت‌کننده خانگی یا هزینه‌های ویزیت پزشکی بیمارستانی اشاره کرد) که به طور متعارف و معقول (Reasonably) وارد شده است، از کسی که به او آسیب زده، دریافت کند، البته تنها این موارد نیست، بلکه در هر بخشی که به صورت معقول و متعارف در نتیجه آسیب پیشین، آسیبی به شخص وارد شده باشد نیز می‌تواند هزینه‌ها را دریافت کند، لیکن اگر خود خواهان این هزینه‌ها را بر عهده نگرفته باشد، یعنی از سرویس خدمات درمانی ملی استفاده کرده باشد، نمی‌تواند بابت آن چیزی که به صورت خصوصی برای درمان پرداخت کرده است، مبلغی را دریافت کند.

بدین ترتیب خواهان هرگز نمی‌تواند بیش از آنچه را که هزینه شده است، دریافت کند. هزینه‌های معمولی زندگی او که در معرض آسیب قرار نگرفته، از هزینه اقامت در بیمارستان یا خانه خصوصی کسر می‌شود. این عنصر خانگی (Domestic Element) شامل هزینه‌هایی مثل غذا، خوراک‌دادن (Board) و اجاره بهای خانه است، به علاوه در بخش ۵ از قانون عدالت اداری مصوب ۱۹۸۲ آمده است که هرگونه صرفه‌جویی (یعنی هزینه‌نکردن) که منتسب به هزینه نگهداری شخص آسیب‌دیده باشد، خواه به طور کلی و یا به طور جزئی در هزینه‌های عمومی بیمارستان، خانه‌های سالمندان و یا سایر مؤسسات باید در برابر از دست‌دادن درآمد تهاتر و محاسبه شود (۱۷).

در خصوص جایی که شخص آسیب‌دیده هزینه‌های درمان خصوصی یا پرستاری یا بیمارستانی را متحمل می‌شود یا بعداً بر او تحمیل خواهد شد، مطابق بخش ۲-۴ از قانون اصلاح صدمات بدنی مصوب ۱۹۴۸ (The Law Reform (Personal Injuries) Act 1948)، دادگاه‌ها تعیین‌کننده میزان معقولیت هزینه‌ها هستند که امکان اجتناب از آن

۱-۲- بند نخست: از دست‌دادن (ضرر) واقعی: این ضرر از تاریخ تصادف تا تاریخی که در آن ارزیابی صورت می‌گیرد، محاسبه می‌شود. این تاریخ ممکن است تاریخ صدور رأی باشد یا تاریخی که در آن به نحوی اختلاف حل و فصل شده است. این امر مجاز نیست که سود ناشی از دست‌دادن درآمد مطالبه شود. بنابراین مالیات بر درآمد و سهم تأمین اجتماعی باید به منظور حصول اطمینان از، از دست‌دادن خالص کسر شود. برای مثال در مورد خسارات ناشی از حق ویژه، ماشین شرکت نیز در نظر گرفته می‌شود (۱۸).

۲-۲- بند دوم: ضرر آینده: گفتیم که علاوه بر جبران خسارات غیر مادی خسارات مادی نیز باید مورد حکم واقع شود. در این خصوص دریافت خسارات به دو دسته قابل تقسیم‌اند: ۱- پولی که ناشی از ضررهایی است که در اثر تصادف به او وارد شده؛ ۲- دسته دوم پولی که ناشی از ضررهایی است که هنوز در اثر تصادف به او وارد نشده است. در اینجا دادگاه ناچار با درجه‌ای از شک و تردید رو به رو می‌شود و خواهان باید بر اساس توازن احتمالات (Balance of Probabilities) ثابت کند که این خسارت‌ها در آینده به او وارد خواهد شد یا محتمل است وارد شود.

دادگاه موقع محاکمه موقعیت را در نظر می‌گیرد و در آن تاریخ ارزیابی می‌کند. یکسری مسائل مهم نیست و آن این که خواهان پول خود را که از تصادف به او رسیده است، چگونه صرف بکند. خواننده نیز حق ندارد که بخواهد خواهان پولی را که از تصادف از او گرفته، در راه مشخصی خرج کند و نمی‌تواند بعد از این که خواهان پول را در آن راه خرج کرد، در دادگاه علیه خواهان شکایت کند. بنابراین اگر خواهان دادگاه را متقاعد کند که برای منظوری مقداری پول را به صورت یک جا نیاز دارد، ولی آن را کم‌تر یا بیشتر در غیر مورد استفاده کند، خواننده حق ندارد که از این کار خواهان شکایت کند (۱۱). در خصوص این که آیا خسارات مادی مربوط به آینده قابل مطالبه است یا خیر مقوله دیگری مطرح می‌شود و آن اصل جبران کامل خسارت (Principle of Full Compensation) است که در باره آن توضیح مفصلی ارائه کرده‌ایم.

صدماتی که به خواهان رسیده بود، باعث شده بود که ازدواج وی از هم بیاشد. دادگاه تجدید نظر رأی داد که هزینه‌های اضافی که بر خواهان وارد شده است، به این ترتیب که به جای هزینه یک خانه هزینه دو خانه را می‌پردازد، مطابق اصل باید پرداخت شود، البته پرونده مورد انتقاد واقع شد، به این دلیل که فروپاشی ازدواج یک امر قابل پیش‌بینی نبوده است. در مقابل در پرونده پریچارد علیه کابدن ۱۹۸۷ که هزینه‌های ناشی از فروپاشی ازدواج را غیر قابل مطالبه دانسته که این امر ممکن است دو دلیل داشته باشد: ۱- یا این که علت دور بوده (Remoteness)؛ ۲- یا مخالف مصلحت عمومی بوده است (Public Policy).

## ۲- گفتار دوم: از دست‌دادن درآمد (Loss of Earnings)

قربانی ممکن است جبران خسارت موقت از درآمد را درخواست کند. از آنجا که آسیب‌دیده به کار مشغول بود، به علت ضرورت به عقب‌افتادن انجام کارش، باید هرگونه درآمدی که از دست داده، جبران شود. در حقوق فرانسه برای محاسبه این مقوله از روش‌هایی استفاده می‌شود. محاسبه از دست دادن درآمد از طریق مقایسه میزان درآمد قبل از آسیب و میزان درآمد ناشی از ناتوانی موقت (پس از کسر پرداخت‌های پزشکی و مزایای تأمین اجتماعی) انجام می‌شود. به علاوه از دست‌دادن فرصت قربانی برای به دست‌آوردن ارتقای شغلی می‌تواند جزء خسارات مالی باشد، حتی اگر قربانی در زمان آسیب کاری کار نکند، جبران خسارت متوقف نخواهد شد. ارزیابی عملکرد ناتوانی دائمی مربوط به عملکرد کاری خاص انجام شده توسط موضوع است. اگر پس از «تثبیت وضعیت» قربان نتواند به کار خود برای علت پزشکی ادامه دهد، تحصیلاتش برای امکان کار در زمینه‌ای دیگر ارزیابی می‌شود. بنابراین قربانی ممکن است دچار اختلال کار دائمی برای کار معمولش باشد، اما نه برای همه نوع کار. در مباحث آینده برخی از منابع کلی کتاب‌شناختی برای عمیق کردن موضوع مفید هستند. آن‌ها درون متن گزارش نمی‌شوند، زیرا به آن‌ها هیچ اشاره‌ای نشده است (۱۲). این عنوان خود شامل دو بخش است: ۱- از دست‌دادن (ضرر) واقعی (Actual Loss)؛ ۲- ضرر آینده (Future Loss).

این جداول آن است که از حدس و گمان‌ها کم کند، البته باید خاطرنشان شود این جداول آماری را بیمه‌های عمر طراحی و تدوین کرده‌اند و یک امر ذهنی نیست.

در مورد ضررهای آینده دادگاه‌ها از ۲ مفهوم استفاده می‌کنند، مضروب (Multiplacand) و چند برابر (مضروب فیه) (Multiplier).

مضروب، جمع سالانه برای نشان دادن خالص درآمد از دست‌رفته سالانه مدعی در تاریخ محاکمه است. این اساساً یک مسأله واقعی است.

چند برابر، نمایانگر تعداد سال‌هایی است که در آن مضروب باید ضرب شود تا میزان خسارت آینده محاسبه شود، البته غیر ممکن است که یک رقم دقیق به دست آید، البته تعدادی از فرصت‌ها باید در نظر گرفته شود در جایی که مضروب‌ها را به دست آوریم. برای مثال احتمال دارد زن جوانی که به خاطر مراقبت از بچه‌هایش، ازدواج نمی‌کند، کار خود را نیز از دست می‌دهد.

اساساً، چند برابر، بسیار خودسرانه است و هرگز دقیق نیست و با نگاه کردن به موارد قبلی، می‌توان میزان صحیح آن را به دست آورد. این آمار، حتی در مورد قربانیان جوان حوادث که می‌خواهند سود یک عمر زندگی متعارف - قبل از وقوع حادثه - را داشته باشند، غیر واقعی است، چنانکه برخی از قضات، حداکثر تعداد سال‌هایی که بتوان در مورد آن رأی داد را حدود ۱۸ سال می‌دانند.

این معیار هرگز نشان‌دهنده تعداد سال‌هایی که واقعاً شخص می‌تواند زندگی کند، نیست و در مورد آن حوادث غیر قطعی را نیز به حساب می‌آورند، زیرا این امر کاملاً محتمل است که خواهان در آینده شغل خود را از دست بدهد و یا دچار حمله قلبی شود. اگر هم ادعا شود که وی بر اثر کارهای قاچاق در آمد خود را به دست می‌آورد به علت این‌که برخلاف مصلحت عمومی است، این امر قابل مطالبه نیست. این انتظار هم می‌رود که خواهان پولی را که به دست می‌آورد به هیچ وجه سرمایه‌گذاری نکند.

به عبارت دیگر در این شیوه از محاسبه خسارات در حقوق انگلستان این امر که در ازای خسارت بدنی وارده چه مقدار

در خصوص ضرر آینده باید گفت این ضرر بیشتر یک امر محتمل است و به خساراتی مربوط است که خواهان بعد از تاریخ ارزیابی متحمل آن می‌شود.

خسارات ناشی از دست‌دادن درآمد آینده در زمان محاکمه به طور کامل از شخص جبران خواهد شد، به طوری که اگر آسیب اتفاق نمی‌افتاد، وی می‌توانست آن را به دست بیاورد. محاسبات با استفاده از متد مضروب و مضروب فیه انجام می‌شوند که عبارت است از ضرر حاصل‌شده سالانه (مضروب) که ضرب می‌شود در تعداد سال‌های بین تاریخ محاکمه و تاریخ بازنشستگی که به صورت جامع و نمایش آنی در نمایشگر تفاوت بین درآمد خواهان، قبل و بعد از آسیب قابل رؤیت است. در اغلب موارد، عایدات قبل از آسیب آینده (Future Pre-Injury Earnings) (یعنی اگر آسیب نمی‌دید در آینده این‌ها را به دست می‌آورد) در واقع عایدات خواهان در زمان آسیب است به علاوه هر رشد درآمدی در زمان محاکمه (یعنی هر پولی که قبل از آسیب به دست می‌آورد، به علاوه هر رشد درآمدی که در زمان محاکمه داشت).

در واقع هیچ رشد بالقوه‌ای که بعد از تاریخ محاکمه باشد، به حساب نمی‌آید، مثل جایی که خواهان در زمان آسیب کار نمی‌کند، مانند عدم مشارکت (Non-Participation)، بیکاری (Unemployment) یا جایی که کودکی آسیب می‌بیند که هنوز وارد بازار کار نشده است. دادگاه یک عدد و رقمی را برای عایدات پیش از آسیب آینده به آن فرد نسبت می‌دهد. این عدد و رقم با اشاره به داده‌های میانگین درآمد منتشرشده از جمله در نظرسنجی جدید عایدات (New Earnings Survey) در دسترس است.

از سال ۱۹۸۴، اطلاعات آماری مورد نیاز برای تعیین مضروب توسط بخش آمار دولت (Government Actuary) در قالب جداول از ضرب تخفیف برای امید به زندگی و نرخ‌های مختلف سود منتشر شده است که با نام جداول اوگدن (Ogden Tables) شناخته می‌شوند.

بخش ۱۰ از قانون گواه مدنی ۱۹۹۵ (Civil Evidence Act 1995) به جدول‌های آماری این اجازه را می‌دهد که ضررهای آینده در خود داشته باشد، اگرچه ماهیت وجودی

دارد، به ویژه مسأله اساسی که مورد بحث بسیار است، مسأله عدم‌النفع است.

واژه «منفعت» دو کاربرد دارد:

۱- منفعت در برابر ضرر: گاهی مقصود از منفعت، سود و ربح است در مقابل ضرر، چنانکه در محاورات عرفی گفته می‌شود، این سرمایه‌گذاری دارای منفعت سرشاری بوده است، یعنی سود و ربح قابل توجهی عاید سرمایه‌گذار شده است؛  
 ۲- منفعت در برابر عین: گاهی مقصود از کلمه منفعت، استعداد و قوه‌ای است که در اشیا و موجودات وجود دارد؛ قوه و استعدادی که به وسیله عقود گوناگون به دیگران واگذار می‌شود. این قوه و استعداد در قبال اعیان به کار می‌رود و در واقع این معنا از منفعت، چیزی است که در قبال اعیان با عقد اجاره به دیگری تملیک می‌شود. طبق همین معنا از منفعت (منفعت در برابر عین)، برخی فقها معتقدند: منفعت باید امری معنوی و غیر مادی باشد (۱۹).

عدم‌النفع در نگاه حقوق‌دانان مفهوم روشنی ندارد. اغلب عدم‌النفع را محرومیت از منفعت می‌دانند. اینان اعتقاد دارند اگر منفعت فوت شده مسلم باشد، قابل جبران و اگر احتمالی باشد، غیر قابل جبران است و حکم ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر غیر قابل مطالبه بودن عدم‌النفع را صرفاً ناظر به محرومیت از منفعت احتمالی می‌دانند (۲۱-۲۰).

یکی از حقوق‌دانان عدم‌النفع را فوات منفعت (از بین رفتن منفعت بدون استیفا) می‌داند که گاهی ناشی از اثبات ید عدوانی بر مال و یا حبس انسان کاسب و صنعتگر و گاهی هم ناشی از ممانعت است، مثل این که نگذارند مالک از اتومبیل یا خانه خود استفاده کند. فوات منفعت گاه به جهت وضع ید است و گاه نیز به جهت منع از تحصیل نفع، بدون این که وضع یدی صورت گرفته باشد. در خصوص فوات منفعت به جهت وضع ید، قریب به اتفاق فقهای امامیه و قانون مدنی قائل به ضمان منافع غیر مستوفات به تبع ضمان عین هستند که در این خصوص می‌توان به مواد ۲۶۱ و ۳۲۰ قانون مدنی اشاره کرد، اما در مورد فوات منفعت به جهت منع از تحصیل نفع، مشهور فقها و قانون مدنی عقیده دارند که عدم‌النفع قابل

باید پرداخت شود از دو مفهوم استفاده می‌شود: اول میزان خسارتی را که در یک واحد زمانی مانند سال شخص متحمل شده است، حساب می‌کنیم و اگر آن را  $X$  در نظر بگیریم و تعداد سال‌هایی را که شخص با همین وضعیت ادامه می‌دهد،  $Y$  فرض کنیم، میزان خسارت عبارت خواهد بود از:

$$X*Y$$

هزینه‌های مربوط به نگهداری و پرستاری شخص آسیب دیده نیز در این فصل باید مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. این موضوع مسائلی را با خود به همراه می‌آورد که بررسی کردن و پاسخ‌دادن به آن‌ها لازم و ضروری است که بعضاً نیز در جای خود به آن پاسخ گفته‌ایم، سؤالاتی از این قبیل که:

بر اساس قواعد حقوق کامن‌لا در فرضی که خواهان، بتواند با استفاده از خدمات درمانی ملی خود را تحت مداوا قرار دهد، اما از این کار امتناع کند، دادگاه در مورد جبران خسارات وارده به هزینه‌های مراقبت‌های پزشکی خصوصی و پرستاری، این اجازه را می‌دهد که بتواند هزینه‌های پزشکی و درمانی را دریافت کند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا باید این قاعده تغییر کند؟

مسأله دیگر آن است که در جایی که خواهان این امتیاز را دارد که توسط سیستم خدمات درمانی ملی درمان شود، درمان باید به صورت رایگان صورت گیرد، اما هیچ مکانیزمی وجود ندارد که بعد از پرداخت هزینه‌ها توسط سیستم خدمات درمانی ملی، وی نیز بتواند به خواننده مراجعه کند. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا باید چنین مکانیزمی طراحی بشود؟

مسأله دیگر که قابل بحث و گفتگوست، آن است که بخشی از مراقبت‌هایی که از شخص آسیب دیده صورت می‌گیرد، ناشی از مراقبت‌های اعضای نزدیک مانند خانواده شخص و همسر و یا دوستان این افراد است، در حالی که در ازای این چیزی دریافت نمی‌کنند. سؤال آن است که در قبال این نوع هزینه‌ها چه رویکردی باید در پیش گرفته شود؟ (۱۷)

۳-۲- بند سوم: ضرر آینده در فقه و حقوق ایران: در

فقه و حقوق ایران، در خصوص خسارات اقتصادی ابهام وجود

مطالبه و مضمون نیست. با وجود این، محقق اردبیلی حکم عدم ضمان را قابل تأمل دانسته است (۲۲).

حقوقدان دیگری بین معنای عام و خاص عدم‌النفع، قائل به تفکیک شده است، بدین صورت که عدم‌النفع در معنای عام شامل محرومیت از منافع عین، منافع شخص و محرومیت از نفع مترتب بر عمل و تعهد می‌شود. عدم‌النفع در معنای خاص، صرفاً محرومیت از نفع مترتب بر عمل و تعهد را دربر می‌گیرد، مانند این که نویسنده‌ای که متعهد شده است، کتابی را در مورد موضوع معین تألیف کند، از انجام تعهد خود سر باز زند و به این جهت متعهدله از درآمد ناشی از انتشار کتاب مزبور محروم شود (۲۳).

این دیدگاه از نظر برخی قابل اشکال است: نظر اول و دوم با این اشکال مواجه است که بین دو مفهوم «عدم‌النفع» و «تقویت منفعت» خلط شده است، البته نظر سوم از این جهت که بین این دو مفهوم قائل به تفکیک شده است، موجه به نظر می‌رسد، هرچند که با ایرادات زیر همراه است:

- مبنای تقسیم عدم‌النفع به «عدم‌النفع در معنای عام» و «عدم‌النفع در معنای خاص» مشخص نیست.

- مشخص نشده است که «عمل» چه خصوصیتی دارد که عدم‌النفع در معنای خاص صرفاً به آن محدود و «عین» و «شخص» از مقوله آن خارج شده است.

- «عدم‌النفع در معنای خاص» را قابل مطالبه نمی‌داند، هرچند جدی و مسلم باشد.

- وقتی می‌توان دو معنای عام و خاص برای «نفع» قائل شد که رابطه نفع و منفعت، به لحاظ منطقی، عموم و خصوص مطلق باشد، به این صورت که هر «منفعتی»، «نفع» محسوب شود، ولی هر «نفعی» لزوماً «منفعت» محسوب نشود، اما این تلقی درست نیست، زیرا نفع و منفعت یا مفهوم عرفی دارد یا حقوقی. اگر مفهوم عرفی را مبنا قرار دهیم، رابطه آن‌ها از نوع تساوی خواهد بود و اگر مفهوم حقوقی را ملاک قرار دهیم، رابطه آن‌ها از نوع تباین خواهد بود. توضیح این‌که در عرف، واژه‌های «نفع» و «منفعت» به جای هم استفاده می‌شوند. بنابراین این دو واژه مترادف‌اند و رابطه آن‌ها از نوع تساوی خواهد بود، ولی در زبان حقوقی، این دو واژه از هم متفاوت‌اند

و رابطه آن‌ها از نوع تباین است. از همین رو سکونت در خانه، یا سواری‌گرفتن از اتومبیل «منفعت» محسوب می‌شود، نه «نفع» و نیز درباره کسی که کالایی را صد واحد خریداری کرده و به صد و بیست واحد می‌فروشد، گفته می‌شود بیست واحد «سود و یا نفع» برده، نه «منفعت».

- قائل‌شدن مفهوم گسترده برای «نفع»، به طوری که «منفعت» را نیز شامل شود، خلاف اصل استعمال لفظ در معنای حقیقی است (۲۴).

در خصوص ارتباط بین خسارت بدنی و عدم‌النفع باید توضیح دهیم، می‌توان سه دسته عدم‌النفع را برشمرد: دسته‌ای از خسارت‌ها به تبع خسارات مادی به وقوع می‌پیوندد، برای مثال در آسیب تصادف، در اثر از بین‌رفتن وسیله نقلیه، به دست‌آوردن هزینه بلیط‌هایی را که برای برگشت مسافران تهیه کرده بودند، یک عدم‌النفع به تبع خسارت مادی می‌دانیم و این اصلاً موضوع بحث ما نیست؛ دسته دیگر عدم‌النفع به تبع خسارات بدنی است. که موضوع اصلی بحث ماست؛ دسته سوم، خسارات اقتصادی محض است که آن نیز نمی‌تواند در حوزه موضوع ما جایی داشته باشد.

عدم‌النفع به تبع خسارت بدنی را باید با ذکر مثالی توضیح دهیم: اگر کسی به دیگری مثلاً یک فوتبالیست آسیب بزند، یعنی پای «لیونل مسی» را آسیب زده باشد و او نتواند فوتبال خود را برای مدتی ادامه دهد، سؤال این است که قراردادهای تبلیغاتی که او در طول فصل و دستمزدی که با توجه به روند گل‌زنی خویش به دست می‌آورد چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ کسی که از طریق یک خطا به او آسیب می‌زند نمی‌داند که او مسی است و ارزش پای وی و نفع از دست‌رفته او در یک بازه زمانی چقدر است، اما خود لیونل مسی می‌داند که او شخص متفاوتی نسبت به دیگران است، پای او ارزشمندتر از پای کس دیگر است، ضررهای بزرگی به تیم باشگاهی و ملی می‌زند و در نتیجه با وجود این قضیه اگر کسی پای مسی را آسیب زند، چه نوع از این خسارت قابل بازبایی است. می‌توان این خسارت را خسارت مادی به تبع خسارت بدنی نامگذاری کرد، به ویژه برای کسی که شغل یا حرفه‌ای دارد و با آسیبی که به او

می‌رسد روند انجام شغل و حرفه‌اش با اختلال رو به رو می‌شود.

مسئله‌ای که مطرح می‌شود این‌که چنین آسیبی آیا قابل جبران است؟ و آسیب باید توسط چه کسی جبران شود؟ اگر بخواهیم عنصر تحلیل اقتصادی را به این مسأله اضافه کنیم، بهترین کار این است که به جای آنکه شخص زیان‌زننده، مسؤول این حجم از آسیب باشد، خود مسی با بیمه کردن پایش، چنین دشواری‌هایی را از پایش رو بردارد.

در مقررات مسؤولیت مدنی ایران درباره این تقسیم‌بندی بحثی به میان نیامده است که آیا می‌توان در قبال آسیب بدنی عدم‌النفع را به عنوان جبران خسارت خواست یا خیر؟ ماده ۵ قانون مسؤولیت مدنی مقرر می‌دارد: اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده، در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود، واردکننده زیان مسؤول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می‌نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص این‌که به چه اندازه و تا چه میزان و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد، دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت.

یکی از مواردی که تحت عنوان عدم‌النفع بررسی می‌شود، مقوله از کارافتادگی است که در حقوق ایران به صورت باید و شاید حل و فصل نشده و موضع متقنی در خصوص آن اتخاذ نشده است، زیرا پیشینه فقهی ما در خصوص امکان حکم به عدم‌النفع دچار تردید است و قول غالب به عدم امکان دریافت خسارت عدم‌النفع است.

منظور از خسارت از کارافتادگی، محرومیت از منافع و درآمد مالی است که زیان‌دیده می‌توانست در صورت عدم تحقق خسارت بدنی، تحصیل کند، کارگر یا جراحی که در صورت عدم تحقق حادثه و شکستن استخوان دست،

می‌توانست در طول درمان و ترمیم شکستگی به طور معمول به سرکار برود و درآمد روزانه و ماهانه را تحصیل کند، راننده تاکسی که بر اثر جراحات در مدت درمان و ترمیم از تحصیل درآمد معمولی که می‌توانست در طول مدت مشابه با کارکردن تحصیل کند... خسارت از کارافتادگی برخلاف هزینه درمان در مورد افراد مختلف با توجه به وضعیت شغلی و اجتماعی و کاری آن‌ها کاملاً متفاوت است.

برخی از اساتید در توصیف این وضعیت گفته‌اند که ملاحظات و منطق حاکم بر خسارت از کارافتادگی با خسارت و هزینه درمان تفاوت‌های جدی دارد، برخلاف هزینه درمان که در عصر حاضر و در مقایسه با قبل از این امری مستحدث محسوب و جدید تلقی می‌شد، خسارت از کارافتادگی به هیچ وجه امر مستحدثی نیست. در تمامی طول تاریخ صدمات بدنی می‌توانسته به از کار افتادگی دائم یا موقت افراد منجر شود و این از کارافتادگی و خسارات ناشی از آن بسته به نوع شغل و فعالیت و موقعیت‌های زیان‌دیده متفاوت بوده است. برای مثال شکستن دست همواره برای صنعتگر و کارگر موجب محرومیت از دستمزد برای مدت معین بوده است، ولی همین امر نتیجه چندانی بر فعالیت معلم نداشته است (۱).

در خصوص لحاظ رابطه دیه و خسارت از کارافتادگی آنچه مشخص است تأسیس و مبلغ دیه بدون لحاظ شغل و جایگاه اجتماعی زیان‌دیدگان تعیین شده و با وجود این تفاوت، جوازی برای پرداخت مبلغی افزون با توجه به موقعیت اجتماعی و شغلی زیان‌دیده داده نشده است. بدین نحو نمی‌توان با تکیه بر استدلالی که در مورد پذیرش هزینه درمان علاوه بر دیه ذکر شد، بابت از کارافتادگی به زیان‌دیده یا به خانواده او مازاد بر دیه پرداخت کرد. به نظر می‌رسد با توجه به نظر فقهی که برای جبران خسارت بدنی، تنها دیه از سوی شارع تعیین شده است و آنکه خسارت از کارافتادگی امری نو نیست. از این رو در بسته خسارت وارده در اثر صدمه بدنی و جانی مد نظر شارع قرار گرفته است، نمی‌توان علاوه بر دیه مبلغی را به عنوان خسارت مالی از کارافتادگی برای زیان‌دیده بر دوش جانی تحمیل کرد، ولی در مواردی که زیان‌زننده با سوءنیت و به قصد تلف منافع و موقعیت‌های شغلی و درآمدی زیان‌دیده

متن قانون تعریف نشده است، لذا دکتر بابایی معتقد به عدم پرداخت مازاد بر دیه در موارد معمول خسارات بدنی است و در مورد خسارات عمدی به واسطه آنکه حکم شارع مشمول آن نیست، امکان پرداخت خسارت مازاد بر دیه را پذیرفته است.

### نتیجه‌گیری

در اثر خسارات بدنی ممکن است ضررهای اقتصادی هم به شخص وارد شود، این ضررها یا هزینه‌هایی است که بر وی تا کنون تحمیل شده است و یا هزینه‌هایی که به طور قطع بر وی تحمیل خواهد شد، برای مثال شخص مجبور باشد سالی یک بار عمل جراحی کند، در این صورت تردیدی در محاسبه نیست، لیکن در برخی موارد نمی‌توان به سادگی تصمیم گرفت. به نظر می‌رسد درباره مسائلی چون ضرر آینده، تنها در فرضی که اوضاع ثابت شخصی آن را قابل پرداخت بدانند باید به آن حکم داد. مسأله دیگر آن است که از کارافتادگی نیز از جمله مواردی است که به نظر مورد اختلاف است، اما باید دانست که از کارافتادگی را نباید با ضرر اقتصادی محض اشتباه گرفت. در خسارات اقتصادی محض، با این حرف که اگر فلان حادثه برای جسم من رخ نمی‌داد، من می‌توانستم چنین کاری انجام دهم و درآمد آن را داشته باشم و اکنون نمی‌توانم، پس واجد صلاحیت برای دریافت غرامت آن هستم، این یک مسأله کاملاً صوری است و بر این پایه نمی‌توان حکم به جبران خسارت داد، لیکن از کارافتادگی با این مقوله متفاوت است. در مقابل نیز می‌توان استدلال کرد که ممکن است شخص درست بعد از این حادثه در اثر حادثه‌ای دیگر از بین برود. بنابراین حکم به پرداخت خسارات آینده در خصوص او منتفی باشد، با این حال دادگاه‌های اروپایی و آمریکایی در این وضعیت حکم به جبران خسارت داده‌اند، ولی حداکثر سال‌ها را، به واسطه وجود چنین ابهاماتی محدود کرده‌اند.

اقدام به ایراد خسارت جانی و ایجاد از کارافتادگی می‌کند، حکم موضوع کاملاً متفاوت می‌شود. تفاوت منطقی و حکم قابلیت جبران خسارت در این مورد شبیه به حکم عدم‌النفع یا فوت منفعت مطرح شده در خسارات مالی است. نپذیرفتن مسؤلیت زیان‌زننده‌ای که با قصد مجرمانه و به عمد اقدام به ایراد خسارت بدنی به منظور محروم کردن زیان‌دیده از درآمدی که می‌توانست در حالت سلامت کسب کند، موجب سلب بازدارندگی قواعد مسؤلیت مدنی و کیفری در این موضوع خواهد شد. مثال‌هایی که معمولاً در دکتترین حقوقی در مورد مغایرت حکم عدم مسؤلیت به پرداخت از کارافتادگی علاوه بر دیه با اصول عدالت زده می‌شود، ناظر به همین موارد است. به نظر می‌رسد حکم ناظر به مسؤلیت جبران خسارت نسبت به منافع ممکن‌الحصول مذکور در بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مشمول این مورد می‌شد و در مواردی که ایراد خسارت جانی منتفی شدن منفعت کاری متصور ناشی از عمل مجرمانه و عامدانه زیان‌زننده باشد، خسارت از کارافتادگی علاوه بر دیه قابل جبران است، حتی نفی مسؤلیت به جبران خسارت منافع ممکن‌الحصول در مورد دیه که در تبصره ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی به آن تصریح شده، نمی‌تواند موجبی برای مسؤلیت مدنی ناشی از منافع ممکن‌الحصول در مواردی که ایراد خسارت جانی عمدی تلقی می‌شود، علت آن است که در مورد ایراد خسارت عمدی، حکم موضوع علی‌الاصول قصاص است و پرداخت دیه و استثنای مذکور در ماده ۱۴ مشمول این مورد نمی‌شود (۱).

در حقیقت آنچه از سخنان ایشان به دست می‌آید، آن است که در موارد مشخصی به صورت حکم شارع تعیین وضعیت شده است. به عبارت دیگر در قانون مجازات اسلامی برای ضررهای جسمی غیر عمدی و به تعبیر قانون، برای جنایت بر نفس یا عضو و به تعبیر دیگر برای قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض یا شبه‌عمد (مواد ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲) باشد، دیه تعیین شده است که به مجنی‌علیه یا اولیای دم او (مواد ۳۵۱ و ۳۵۲ قانون مجازات اسلامی) داده می‌شود (مواد ۴۴۸ به بعد قانون مجازات اسلامی)، در نتیجه مقوله‌ای برای جنایات عمدی در

## References

1. Babaii I. Civil Liability Rights and Requirements Outside the Contract. 1st ed. Tehran: Publication Mizan; 2017. p.4, 66, 68. [Persian]
2. Badini H. The Purpose of Civil Liability. *Tehran University Journal of Law and Politics* 2004; 66(1): 55-113. [Persian]
3. Khadem Sarbakhsh M, Soltani-Nejad HA. The principle of total compensation. *Majaleye Mabanie Feghhie Hoghooghe Eslami* 2013; 6(12): 21-48. [Persian]
4. Khodabakhshi A. Insurance law and civil liability. 3rd ed. Tehtan: Publishing Joint Stock Company; 2017. p.191-192. [Persian]
5. Ghesmati Tabrizi A. The principle of full compensation. *Majaleye Motale'te Feghh va Hoghooghe Eslami* 2015; 1(13): 135-174. [Persian]
6. Babaii I. Critique of the principle of general compensation in iranian civil liability. *Majaleye Pajhouheshe Hoghooghe Omoumi* 2005; 7(15-16): 45-83. [Persian]
7. Katouzian N. Non-contractual requirments. 8th ed. Tehran: Univercity of Tehran Press; 2008. Vol.1 p.96, 218, 232. [Persian]
8. Hosseini-Nejad H. Civil liability. 1st ed. Tehran: Majd Publications; 1998. p.75. [Persian]
9. Amiri-Gha'emmaghami A'M. Law of Obligations. 1st ed. Tehran: Publication Mizan; 1999. Vol.1 p.162. [Persian]
10. Emami SH. Civil law. 36th ed. Tehran: Islamic Publication; 2015. Vol.1 p.407-411. [Persian]
11. Markesinis B, Coester M, Alpa G, Ullstein A. Compensation for Personal Injury in English German and Italian Law, A Comparative Outline. 1st ed. Cambridge: Cambridge University Press; 2005. p.118, 117.
12. Ferrara DS, Boscolo-Berto R, Viel G. Personal Injury and Damage Ascertainment under Civil Law. London: Springer; 2016. p.102-106, 108-109.
13. Rondinelli R, Mohammed R. Disability Assessment. Edited by Benzon HT, Rathmell JP, Wu CL, Turk DC, Argoff CE, Hurley R. Practical management of pain. 5th ed. Philadelphia: Elsevier - Mosby; 2013. Ch.17.
14. New York State Workers' Compensation Board. injured on the job? An employee's guide to workers' compensation in new york state. New York: Bolt Insurance Agency; 2012. Available at: <http://www.wcb.ny.gov/content/main/workers/injuredonthefjob.pdf>. Accessed May 2, 2020.
15. Novick AK, Rondinelli RD. Impairment and Disability under Workers' Compensation. Edited by Rondinelli RD, Katz RT. Impairment Rating and Disability Evaluation. Philadelphia: Saunders Company; 2002. p.141.
16. Rondinelli R, Ranavaya M. Current American medical association guidelines for evaluating musculoskeletal impairment at maximum medical improvement. Edited by Gatchel RJ, Schultz IZ. Handbook of musculoskeletal pain and disability disorders in the workplace. New York: Springer; 2010. p.12, 16-24.
17. Schulte M. Healthcare Delivery in the U.S.A.: An Introduction. New York: CRC Press; 2013. p.27-35, 80, 82.
18. Owen R. Essential Tort Law. London: Cavendish Publishing Limited; 2000. p.172-173.
19. Sa'adat-Mostafavi M, Houshmand-Firouzabadi H. Adamo al-Naf'. *Journal of Islamic Law* 2010; 1(26): 59-88. [Persian]
20. Safai SH, Rahimi H. Non-contractual requirments. 2nd ed. Tehtan: Samt Press; 2011. p.127. [Persian]
21. Samet MA. Loss of benefit and non-benefit in iranian and Islamic law. *Journal of Faculty of law and political science of Tehran University* 1998; 1(42):53-76. [Persian]
22. Shekari R. Critique of second note of article 515 of the code of civil procedure. *Journal of Faculty of law and political science of Tehran University* 2001; 1(52): 93-110. [Persian]
23. Shahidi M. Effects of Contract and Obligation. Tehran: Majd Publications; 2003. p.257. [Persian]
24. Mahmoudi A. Redefining the loss of benefits and comparing it with similar concepts. *Majaleye Pajhouhesh-haye Hoghooghe Tatbighi* 1392; 1(4): 129-152. [Persian]